



موجود فضایی رسید به بشقاب پرنده اش که دود ازش بلند شده بود، پشمک تازه فهمید آن موجود عجیب از فضا آمده!

من با این دستگاه می‌تونم با شما صحبت کنم. سفینه ام که تعمیر بشه از سیاره شما میرم



موجود فضایی دستگاهی را از توی سفینه آورد و چیزهایی گفت، دستگاه حرف های فضایی را برای پشمک ترجمه می کرد.

ممنونم من را نجات دادی ببخشید که درباره تو فکر اشتباهی کردم.



موجود فضایی در حال تعمیر سفینه اش بود که ...

برای همین رفتیم حیوانات جنگل را خبر کردیم.

عیب ندارد؛ همه می‌توانند به مهمان فضایی مان کمک کنند



و همه به او کمک کردند تا به سیاره اش برگردد.